

## جشنواره تهدید شد

رعایت نشدن فاصله اجتماعی در نشست‌های رسانه‌ای، تهدید تعطیلی جشنواره فیلم فجر در پی داشت.

برگزاری جشنواره فیلم فجر بدون حواشی متاثر از شیوع ویروس کرونا کمی بعید به نظر می‌رسید ولی چه کسی فکرش را می‌کرد عده‌ای از اهالی سینما قواعد را ندیده بگیرند و **این** ماجرا به تهدید جشنواره ختم شود!

هر دو اتفاق افتاد، در روز دوم جشنواره خوش و بش و در آغوش کشیدن‌های عادل فردوسی‌پور و پرویز پرستویی حاشیه‌ساز شد و بعد از این ماجرا مسؤولان ستاد کرونا با تاکید اعلام کردند اگر مورد نقضی دیده‌شود، جشنواره در هر مرحله‌ای که باشد، متوقف خواهد شد. شاید این تهدید کمی غلوآمیز باشد و حدس این‌که جشنواره را بتوان تعطیل کرد کمی دور از ذهن به نظر بیاید؛ اما معلوم است که سلامت شرکت‌کنندگان در جشنواره مهم است و بی‌توجهی به دستورالعمل‌ها مشکل‌آفرین خواهد بود؛ به همین دلیل از روز سوم ناظرانی از وزارت بهداشت در جشنواره مستقر بودند که مبادا بی‌مبالاتی برخی شرکت‌کنندگان یا مهمانان جشنواره، برگزاری آن را زیر سوال ببرد و ماهیت جشنواره‌ای آن را در این سال گرفتار کرونا مخدوش کند.

برگزاری جشنواره فیلم فجر از روز اول منوط به رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی بود و برگزارکنندگان متعهد شده‌بودند که پروتکل‌ها را رعایت کنند. با همین تعهد بود که مجوز برگزاری جشنواره به صورت حضوری داده‌شد اما همیشه اوضاع تحت کنترل نیست؛ از ترافیک و ازدحام و حشمت‌ناک شرکت‌کنندگان جشنواره مقابل پردیس ملت و برج میلاد بعد از اتمام برنامه‌های جشنواره بگیرید تا بی‌توجهی‌ها و سهل‌انگاری افراد.

که غیبت را ترجیح داده‌اند. مثلاً فرهاد اصلانی از بازیگران اصلی فیلم ستاره‌بازی در برج میلاد غایب بود و گویا این غیب به دلیل شرایط پاندمی کرونا بوده. شبنم مقدمی هم در این نشست حضور نداشت و تلفنی با جشنواره همراهی کرد اما گویا مقدمی سر فیلمبرداری بود و غیبتش ربطی به کرونا نداشت.

در این شرایط محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، دبیر جشنواره درباره ازدحام در این رویداد توضیح داد: ظرفیت ۱۸۰۰ نفری سالن نمایش فیلم به ۴۰۰ نفر رسیده و از این پس سخت‌گیری بیشتری برای رعایت پروتکل‌ها صورت می‌گیرد. ضمن این‌که محدودیت‌ها برای حضور عکاس‌ها در بخش فتوکال در روز دوم اتفاق افتاد. به‌جز اینها انتظار می‌رود از سوی مسؤولان بهداشتی که مجوز برگزاری این رویداد را داده‌اند، در صورت لزوم بررسی و ارزیابی منظم پیگیری شود و حاضران در جشنواره هم به اجرای پروتکل‌ها در تمام لحظات از جمله زمان نمایش فیلم متعهد باشند.

عزت‌ا...علیزاده، مدیر اجرایی جشنواره هم توضیح داده است: کل ظرفیت سالن‌های نمایش فیلم‌ها ۵۴۴ هزار و ۱۹۹ نفر بوده که با حذف برخی صندلی‌ها حدود ۱۴۴هزار صندلی در تهران قابل فروش مانده‌است.

این‌که چقدر مسؤولان جشنواره و بازرسان وزارت بهداشت بتوانند در روند برگزاری جشنواره نقش داشته باشند، یک سوی ماجراست و سوی دیگر شرکت‌کنندگان هستند که البته براساس جدول بخش فیلم‌ها بعید نیست بعد از روز چهارم و اتمام نمایش فیلم اباقی، از تعدادشان کاسته‌شود.



### امروز و فردا با «بین یه عالمه ماهی» در جشنواره تئاتر فجر

یکی از نمایش‌هایی که ۱۵ و ۱۶ بهمن ماه ساعت ۱۵ در قالب جشنواره تئاتر فجر و در تالار سایه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود، «بین یه عالمه ماهی» به کارگردانی امیر دلفانی و بازیگری او و خشایار قائدرحمتی، مهدی یگانه و سامان قهرمانی است. دلفانی به مهر گفته در صورت بازخورد مثبت مخاطبان از اجرای جشنواره، این نمایش در شهرستان‌ها هم روی صحنه خواهد رفت.



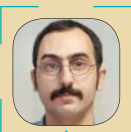
### حرف‌های گلپا درباره خواننده‌های جوان

دهم بهمن، هشتادوهفتمین سالروز تولد اکبر گلپایگانی خواننده بود. به همین مناسبت خیرگزاری هنر ایران با او به گفت‌وگویی مفصل نشست و در بخشی، نظر او را درباره خواننده‌های کنونی پرسیده. گلپا در پاسخ گفته: «بسیاری از خوانندگان جوان نزد من آمده‌اند و با آنها دوستی هم دارم. تعداد آنها خیلی زیاد است و ممکن است به دلیل فراموشی نتوانم از همه آنها نام ببرم و باعث رنجش دیگر عزیزان شوم. همه آنها را دوست دارم».

# در مضارلاتاری و گوشت قرمز

درباره فیلم‌های «ستاره بازی» و «شیشلیک» که در روز دوم جشنواره در سینمای رسانه به نمایش درآمدند

در روز دوم سی و نهمین جشنواره فیلم فجر در پردیس سینمایی ملت (یکی از دو سینمای رسانه)، دو فیلم ستاره بازی به کارگردانی هاتف علیمردانی و شیشلیک به کارگردانی محمدحسین مهدویان به نمایش درآمد. علیمردانی که با ساخت ۹ فیلم تا اینجا از نظر فیلمی پیشکسوت‌ترین کارگردان این دوره جشنواره محسوب می‌شود، توقعات را در ستاره بازی چندان برآورده نکرد. حضور مایکل مدسن، بازیگر هالیوودی کمی انتظاها را در این زمینه بالا برده بود اما نتیجه حضور او و کیفیت نهایی خود فیلم، چنگی به دل نرزد. درباره اولین فیلم کمدی مهدویان هم از مدت‌ها پیش کنجکاوی‌های زیادی وجود داشت اما به جز ایده و لحظاتی خنده‌دار، در کلیت با یک کمدی شش‌دانگ و درجه یک روبه‌رو نبودیم. هرچند این چرخش فیلمسازی مهدویان توجهاتی را به خود جلب می‌کند و به ویژه در صورت جان به دریدن از اصلاحات و ممیزی‌ها و رسیدن به اکران عمومی، فیلم بسیار پرفروشی در گیشه خواهد شد.

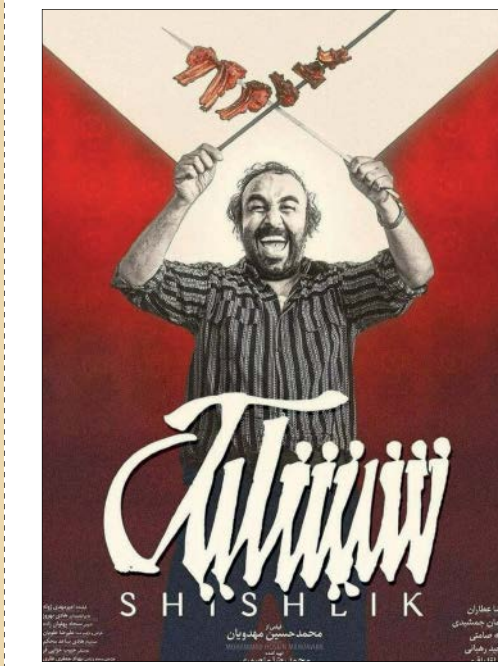


علی‌رستگار

سینما

## شیشلیک

از وقتی خبر ساخت اولین فیلم کمدی محمدحسین مهدویان منتشر شد، کنجکاوی‌های فراوانی به وجود آمد. این کنجکاوی البته در جناح جریان فرهنگی انقلاب که مدافع و همراه سبک و سیاق و مضامین فیلم‌های قبلی مهدویان بود، شکل نگرانی را پیدا کرده بود. نمایش‌های اولیه و خصوصی شیشلیک، اعتراض فعالان فرهنگی و سینمایی حوزه انقلاب را به دنبال داشت و کار فیلم گره خورد و برای صدور پروانه نمایش، شیشلیک با ممیزی‌هایی همراه بود. مهدویان در این فیلم که براساس فیلمنامه امیرمهدی ژوله ساخته شده، سراغ یک ناکجاآباد و منطقه‌ای ساختگی به نام طرب‌آباد در حوالی کرج و تهران می‌رود و هراتجه دلش می‌خواهد نثار سیستم می‌کند. به نظر هم می‌رسد نیش و کنایه‌های او فراتر از دولت است. البته فیلم یک کمدی سیاه و نمادین است و ظاهرا بی‌نام و نشانی دقیق و جغرافیای مبهم قصه، می‌تواند توجیه‌کننده و راه مفری از دست مخالفان و منتقدان باشد. اما گاهی به قدری ارجاعات و اشاره‌ها رو و واضح است

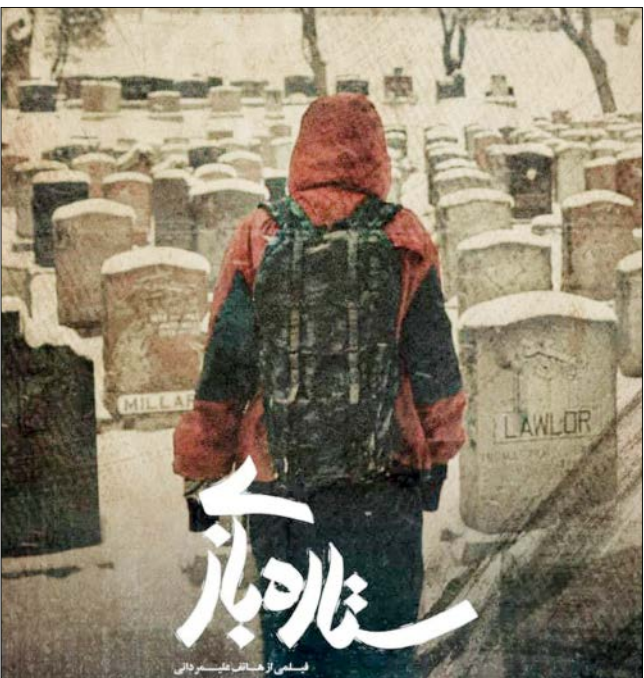


که نمی‌توان برداشت دیگری کرد. نقد اجتماعی مهدویان درباره فقر، بی‌عدالتی و حال و روز خراب جامعه، در بستر و فضایی کمدی، فی‌نفسه ایرادی ندارد و خیلی هم خوب است اما طرح این حرف‌ها از سوی فیلمسازی با قبیله‌ای چون او، مثل چاقویی عمل می‌کند که دسته خودش را می‌برد. این‌که دوستداران دیروز او، حالا در مقام مخالف و منتقد سرسخت او وارد میدان نقد و مخالفت شده‌اند، گواه این مدعاست. آنهایی هم که قبلاً مخالف ایدئولوژی مهدویان بودند هم چندان این چرخش را باور نمی‌کنند و شیشلیک را جدی نمی‌گیرند و از زاویه دیگری به آن می‌تازند. در این میان البته مردم و مخاطب عام سینما نیش و کنایه‌های واضح و گل‌درشت فیلم را درمی‌یابند و در پاره‌ای مواقع، کمی تا قسمتی دل‌شان خنک می‌شود و از قبل این دل‌خنکی، فیلم در صورت اکران عمومی فاتح گیشه‌ها خواهد شد و کارگردان و تهیه‌کننده و اول‌مارکت (که سرمایه‌گذار فیلم است) پول هزاران هزار پرس شیشلیک را دشت خواهند کرد.

فیلم به هرحال مدعی کمدی است و شخصیت رضا عطاران و بسیاری از صحنه‌های فیلم هم نشانه‌هایی از تلاش برای خنداندن مخاطب را دارد. اما در جاهایی تلخی و جدیت فیلم، باعث می‌شود یکدستی این کمدی حتی یک کمدی سیاه به‌هم بریزد و مخاطب برای لحظاتی فراموش کند

که با اثری کمدی روبه‌روست. دعوی رضا عطاران و پژمان جمشیدی و ژاله صامتی و بعدا دعوی شدید هاشم و احمد (عطاران و جمشیدی) در رستوران از این نمونه‌هاست که فیلم از مسیر طبیعی خودش خارج می‌شود. درحالی‌که یکی از درخشان‌ترین لحظات فیلم که انتظار می‌رفت همه اثر همین مسیر را ادامه دهد، همان استندآپ ناخواسته هاشم در آن جشن داخل باغ است که او از درش می‌گوید، اما مردم بی‌درد و مرفه به حرف‌هایش می‌خندند. یعنی یک کمدی حتی یک کمدی سیاه و سمبولیستی، نباید در لحظه‌ای و چه و ساحت کمدی خود را فراموش کند. چنین فیلم‌هایی باید در ظاهر همیشه خفنداند، اما مخاطب باهوش قطعا در لحظه متوجه درد و رنج مورد نظر فیلمساز می‌شود و در پس خنده‌هایش، مفاهیم و نکته‌های تاثیرگذار را دریافت می‌کند.

فیلم یک عطاران همیشه بازمه دارد و یک ژاله صامتی خیلی خوب که بازی‌اش مورد توجه قرار می‌گیرد، شاید حتی از سوی داوران، بازی جمشید هاشم‌پور در نقش پدر عطاران هم از نکته‌های بازمه فیلم است. اینجا یکی از آنجاهایی است که تغییر رویکرد و حال و هوای فیلمسازی مهدویان، بیشتر به چشم می‌آید و برخی دلواپسی‌ها را افزایش می‌دهد. یعنی صحبت فقط سر ساخت یک کمدی نیست که فی‌نفسه شأنیتی دارد و حق طبیعی هر فیلمسازی است، بلکه با فیلمی کمدی روبه‌رویم که مهدویان آن را به تندترین و عریان‌ترین شکل ممکن ساخته‌است.



## ستاره بازی

تا اینجا باوجود برخی لحظات خوب در فیلم‌های هاتف علیمردانی، فیلم ویژه و یکدستی را از او به یاد ندارم. حتی کوچه بی‌نام و آب‌جان که به مذاق برخی تماشاگران، و منتقدان و حتی داوران خوش آمد، فاصله‌هایی با یک اثر جذاب و استاندارد و کامل دارند اما در هر حال علیمردانی دغدغه طرح مسائل، مشکلات اجتماعی و خانواده دارد و تلاش‌هایش در این زمینه قابل اشاره است. انتظار داشتیم ستاره بازی، جذاب‌ترین فیلم کارنامه علیمردانی باشد، به ویژه به دلیل حضور مایکل مدسن، بازیگری که بیش از هر چیز با بازی در فیلم‌های کولنتین تارانتینو شناخته می‌شود اما دغدغه علیمردانی برای روایت فیلمی مؤثر درباره مهاجرت و اعتیاد به مواد مخدر، منجر به فیلم جذابی نمی‌شود. علیمردانی پیشتر به خاطر پونه سراغ بحث اعتیاد به مواد مخدر و فروپاشی خانواده رفته بود و در ساخته قبلی‌اش کلمبوس هم دست روی تبعات مهاجرت گذاشته بود. ستاره بازی تکرار و تجمیع دو محور اشاره شده‌است، منتها انتظار می‌رفت علیمردانی این بار متفاوت‌تر این کار را انجام دهد و خروجی تازه‌ای را پیش روی مخاطب بگذارد اما درعمل با فیلمی کشدار و کم‌رق درباره تبعات مهاجرت یک خانواده ایرانی به آمریکا (به دلیل برنده شدن در لاتاری) روبه‌رویم که چندان نمی‌تواند در ارتباط با مخاطب موفق عمل کند و اگر نبود آن همسانی ویدئوی پایانی صبا کیانی (شخصیت واقعی که فیلم از روی زندگی او ساخته شده) و بازی ملیسا ذاکری در نقش صبا در تیتراژ پایانی که به سیاق فیلم‌های هالیوودی به فیلم‌هایی «براساس یک داستان واقعی» سندیت می‌دهد، همین میزان تأثیر نصفه نیمه و غمخواری نسبت به سرنوشت دختر جوان فیلم هم اتفاق نمی‌افتاد. درواقع انتظار داشتیم خود فیلم چنین تاثیری را در قصه روی مخاطب بگذارد، نه این‌که ضمیمه نهایی تا حدودی به داد فیلم برسد.

شخصیت‌پردازی و بازی‌های فرهاد اصلانی و شبنم مقدمی، کم‌وکاستی‌هایی دارد، به‌ویژه مقدمی که از جایی در قصه به سبب جذابی و ازدواج دوباره، محو می‌شود. بازی ملیسا ذاکری در نقش دختر جوانی معتاد و ازهم‌فرازخته، از امتیازات فیلم است و می‌توان دست‌کم نامزدی او را درشته بهترین بازیگر نقش اول زن، محتمل دانست. از مایکل مدسن هم استفاده چندان مناسبی نمی‌شود و آن همسایه تپیکال آمریکایی می‌توانست حضور جذاب‌تری در قصه داشته باشد. جنس بازی آمریکایی او و بازی ایرانی اصلانی هم چندان هماهنگ نیست و آن ذوق و کنجکاوی قبلی درباره این همکاری را از بین می‌برد. حالا دوست دارم نظر تارانتینو را درباره بازی مدسن و این فیلم بدانم!



## مجله مولانا بازاها

**شماره دوم فصلنامه «نگاه آفتاب» منتشر شد**

فصل پیش بود که از تولد نشریه‌ای تازه به‌عنوان «نگاه آفتاب» نوشتیم و حالا باید بگوییم دومین شماره این فصلنامه منتشرشده است. شماره دوم فصلنامه «نگاه آفتاب» و ویژه زمستان ۹۹ با خوشنویسی اختصاصی استاد غلامحسین امیرخانی روی جلد به پیشخوان کیوسک‌ها رسیده است. این شماره گفت‌وگویی ویژه با استاد غلام حسین امیرخانی دارد که طی آن، این هنرمند شاخص دیدگاه خود را در حوزه عرفان و مولانا و پیوند خوشنویسی ایرانی با آن مطرح کرده است. در بخش حکمت، موضوع تنهایی به‌عنوان دغدغ‌های بشری و جهانی از ابعاد مختلف موردتوجه قرارگرفته و آموزه‌های مولانا در باب تنهایی به‌تفصیل بررسی‌شده است. مصطفی ملکیان، امیرعباس علی‌زمانی، تقی آزاد ارمکی، سید احمد جلیلی، غلامحسین معتمدی، مهدیه کسائی زاده، سید ماجد غروی، باقر طالبی دارابی، مهدی میناخانی، محمد قنبری، کیمیا هادی زاده و محمود دهقانی، نویسندگان بخش حکمت در شماره دوم نگاه آفتاب هستند. در بخش کارنامه ۷۵ سال پس از فقدان رینولد نیکلسون، کارنامه علمی او

به‌عنوان یکی از مراجع اصلی مولاناشناسان شرق و غرب بررسی‌شده است. در این بخش محمد جعفر یاحقی، عبدا...انوار، بهاء‌الدین خرمشاهی، نصرا...پورجوادی، همایون همتی، جمشید کینافز، علی‌اشرف صادقی و رضا‌اشرف زاده درباره خدمات و کارنامه نیکلسون به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. در بخش جستار مهناز قانعی، امیر اکرمی، محمد نوید بازرگان، ایرج رضایی، نسرین فقیه ملک مرزبان و ابراهیم خدایار به این پرسش پاسخ داده‌اند که کدام تصحیح، شرح و تفسیر و کدام تک‌نگاری از جهان فکری مولانا را می‌پسندند. در این بخش هفتم اقلیم به ظرفیت‌های موسیقایی شعر مولانا نگاهی ویژه دارد. در این بخش علیرضا میرعلی‌نقی، کیخسرو پورناظری، هوشنگ جاوید و بهزاد عبدی از نسبت مولانا با موسیقی اصیل ایرانی گفته‌اند. همچنین به مناسبت درگذشت استاد محمدرضا شجریان به کارنامه او و انتخاب‌هایش از اشعار مولانا نگاهی ویژه شده و مجدالدین کیوانی، شاه‌رخ توپسرخانی، سید ابوالحسن مختاباد و نورالدین میرفرخانی در باب شجریان قلم زده‌اند. در بخش سنجه تأملی بازاندیشانه در نسبت عرفان و دین به قلم اردشیرمنصوری را داریم. محمدجواد غلامرضا‌کاشی از شکاف پرنشدنی میان عرفان و جهان مدرن گفته و شهرام صحرایی مقاله‌ای درباره عرفای نجف و ملای روم به رشته تحریر برآورده است. همسایه، نقد حال، مقالات، قفسه و روایت، دیگر بخش‌های این شماره «نگاه آفتاب» است.

خواهد شد. جی کی رولینگ که همکاری‌اش با مجموعه تلویزیونی مشترک برادران وارنر و اپی‌باو مکس در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۲۲ را به‌عنوان زمان اکران عمومی هیولا‌های فانتزی ۳ اعلام کرده است. او یکی از سرمایه‌گذاران این مجموعه فیلم هم هست.

داستان مجموعه کتاب هری پاتر اولین بار در سال ۲۰۰۱ به صورت فیلمی سینمایی درآمد. موفقیت جهانی یک میلیارد دلاری این اکشن فانتزی در گیشه نمایش سینماهای سراسر جهان، تهیه‌کنندگانش را به تکاپو واداشت که هر چه سریع‌تر جلدهای بعدی کتاب‌های رولینگ را تبدیل به فیلم‌هایی سینمایی کنند تا سال ۲۰۱۱، جلدها و قسمت‌های بعدی هری پاترها هم را خود را روی پرده سینماها پیدا کردند. مجموعه هشت قسمتی این بلاک باستر سینمایی، توانست بیش از هفت میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار در سینماهای آمریکا و بقیه کشورهای دنیا فروش کند. رقم هزینه‌های تولید تمامی قسمت‌های این مجموعه اکشن



نوجوانانه، حدود یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار بوده است. در سال ۲۰۱۸ اعلام شد هری پاترها سومین مجموعه فیلم دنباله‌دار پرفروش تاریخ سینما هستند. دو فیلم دنباله‌دار و چند قسمتی که جلوتر از این فیلم قرار می‌گیرند «جنگ ستارگان» و جیمز باند‌ها هستند.  دل‌این